

مدیریت ورزشی _ مرداد و شهریور ۱۳۹۴
دوره ۷، شماره ۳، ص: ۴۲۷-۴۵۶
تاریخ دریافت: ۹۲ / ۰۷ / ۱۲
تاریخ پذیرش: ۹۲ / ۱۰ / ۰۳

بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای

محمد سلطان حسینی^۱ - مهدی سلیمی^{۲*} - مریم اعتمادی^۳

۱. استادیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان، ۳. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل بروز پدیده فرار مالیاتی در بین ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای بود. به منظور جمع‌آوری ادبیات پژوهش به مطالعه منابع علمی و همچنین مصاحبه با استادان برجسته پرداخته شد که براساس آن عوامل مؤثر بر بروز پدیده فرار مالیاتی استخراج شدند و بدین وسیله پرسشنامه پژوهش با ۳۲ گویه طراحی شد. جامعه آماری پژوهش را، ۱. استادان برجسته تربیت بدنی (آشنا با موضوع پژوهش)، ۲. مدیران عامل و معاونان باشگاه‌های ورزشی اصفهان که در سطح ورزش حرفه‌ای سابقه فعالیت داشتند، ۳. رؤسا و معاونان هیأت ورزشی استان که دارای تیم‌های لیگ برتری در ورزش کشور بودند، ۴. مربیان حرفه‌ای در رشته‌های مختلف، و ۵. ورزشکاران حرفه‌ای تیم‌های لیگ برتری، در شهر اصفهان تشکیل می‌دادند که در هر پنج بخش نمونه آماری منطبق بر جامعه (در مجموع ۲۰۶ نفر) بود. پس از توزیع پرسشنامه‌ها و به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز، با استفاده از آزمون بارتلت و تحلیل عاملی اکتشافی به گروه‌بندی عوامل پرداخته شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون فریدمن و همچنین تحلیل تاپسیس گروهی نشان داد که در میان عوامل قانونی، شفاف نبودن اطلاعات مالی باشگاه‌ها؛ در میان عوامل فرهنگی، طرز تلقی اشتباه ورزشکاران نسبت به پرداخت‌های مالیاتی؛ در میان عوامل حقوقی، عدم ضمانت اجرایی توسط نهادهای ذی‌ربط بر باشگاه‌ها؛ در میان عوامل مدیریتی، دولتی بودن بیشتر باشگاه‌های ورزشی فعال در کشور؛ و در میان عوامل اقتصادی، عامل عدم پرداخت به موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران؛ در اولویت قرار گرفتند.

واژه‌های کلیدی

عوامل مؤثر، فرار مالیاتی، مالیات، مربیان حرفه‌ای، ورزشکاران حرفه‌ای.

مقدمه

رشد اقتصادی، اشتغال کامل، توزیع عادلانه درآمد، ایجاد امنیت اقتصادی و تخصیص بهینه منابع، از جمله مهم‌ترین وظایف دولت در حوزه اقتصادی است. سیاست‌های مالی ابزاری برای رسیدن به اهداف اقتصادی دولت است و تأثیرات مهمی در توزیع مناسب درآمد، مهار تورم، تسریع در رشد اقتصادی و جهت دادن به سرمایه‌گذاری‌ها دارند. پر واضح است هر حکومتی برای اجرای سیاست‌های مالی خود به بودجه و درآمد نیاز دارد که یکی از راه‌های کسب آن مالیات است. مالیات علاوه بر تأمین مالی دولت، موجب توزیع عادلانه درآمد و تخصیص منابع می‌شود. مالیات اصلی‌ترین منبع درآمد غیرنفتی دولت ایران محسوب می‌شود. واژه مالیات از مال گرفته شده و به معانی مختلفی از جمله اجر و پاداش، زکات مال، و جریمه‌ای که حکومت به دلیل ارتکاب جرایم ویژه از مرتکبان می‌گیرد، تفسیر می‌شود. اما در اصطلاح اقتصاددانان مالیات این‌گونه تعریف شده است: مالیات مقدار پول یا مالی است که شهروندان یک کشور براساس قانون به دولت خود می‌پردازند تا در جهت اداره امور کشور، تأمین کالاها و خدمات عمومی و ضروری، تضمین امنیت و دفاع همگانی، و عمران و آبادانی توسط دولت بهره‌برداری شود (۳).

تمکین مالیاتی پایبندی داوطلبانه به متن و روح قانون مالیاتی یا به عبارتی دیگر پایبندی مؤدیان به تکالیف مالیاتی و رعایت قوانین مالیاتی از سوی آنهاست. تمکین کامل مالیاتی از جمله اهدافی است که همه سیستم‌های مالیاتی جهان در آرزوی دستیابی به آن‌اند. در واقع می‌توان گفت که درجه تمکین مالیاتی در هر کشوری معیار سنجش کارایی سیستم مالیاتی آن کشور است. در مقابل تمکین مالیاتی، مسئله عدم تمکین مالیاتی از سوی مؤدیان مطرح است (۲).

هایاشیدا و اونو (۲۰۱۰) معتقدند پدیده‌ای که امروزه گریبان بسیاری از دولت‌ها را گرفته، پدیده فرار مالیاتی است. پدیده فرار مالیات از دیدگاه آنها عبارت است از تعدیلات غیرقانونی که اشخاص برای نپرداختن مالیات انجام می‌دهند. فرار مالیاتی اغلب از طریق توسل به اعمال و ابزار غیرقانونی مثل حساب‌سازی، رشوه و غیره صورت می‌پذیرد (۲۸). بنابر تعریف ضیایی و طهماسبی (۱۳۸۳) هر گونه تلاش غیرقانونی به منظور نپرداختن مالیات یا ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول فرار مالیاتی خوانده می‌شود. تعریف فرار مالیاتی برای انواع مالیات‌ها یکسان است. هدف اصلی در بی‌تمایلی به پرداخت مالیات، فعالیت غیرقانونی است (۱۸). یانیو (۲۰۰۹) معتقد است مفهوم فرار مالیاتی نباید با اجتناب از پرداخت مالیات اشتباه گرفته شود. اجتناب از مالیات عبارت است از ترفندهای قانونی که اشخاص برای استفاده از امتیازها و راه‌های مشروع و قانونی، انجام می‌دهند.

استفاده از وکلا و متخصصان ماهر و مطلع در امور مالیاتی از جمله راهکارهای اجتناب از مالیات است. تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار مؤدیان مربوط می‌شود (۳۰).

سید نورانی (۱۳۸۸) و علاء (۱۳۷۳) معتقدند فرار مالیاتی، نوعی تخلف از قانون است، اما اجتناب از مالیات، یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است. وقتی مؤدی مالیاتی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، امتناع می‌کند، نوعی عمل غیرقانونی انجام می‌دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه می‌دارد. اما در اجتناب از مالیات، فرد نگران نیست که عملش افشا شود. اجتناب از مالیات، از خلأهای قانونی در قانون‌های مالیات نشأت می‌گیرد (۱۹، ۱۶).

زمینه‌های پیدایش فرار مالیاتی را می‌توان در موارد زیر جست‌وجو کرد:

الف) نبود فرهنگ مالیاتی یا ضعف در آن

ایچورن (۲۰۰۴) با استفاده از یک مدل رشد درون‌زا که در آن فرار مالیاتی به‌عنوان یک متغیر در نظر گرفته شده است، نتیجه می‌گیرد که با ثابت بودن سایر شرایط، فرار مالیاتی بر رشد اقتصادی خانوار اثری مثبت دارد، چراکه خانوار فقط وقتی از مالیات فرار می‌کند که سودآور باشد و مقدار آن نسبت به مقادیر بیشتر درآمدی که کسب می‌کند در خور توجه باشد (۴). آرانا (۲۰۰۴) (۲۵) و واریتا (۲۰۰۸) (۲۹) نیز در تحقیقات خود به نتایج مشابهی دست یافتند (۲۹، ۲۵). حال این سؤال پیش می‌آید که چه چیز موجب تمکین مالیاتی در بین افراد یک جامعه می‌شود، طوری که منفعت عمومی را بر منفعت شخصی ترجیح دهند؟ که طبیعتاً پاسخ در عبارت فرهنگ مالیاتی نهفته است.

فرهنگ مالیاتی هنگامی کاراست که افراد جامعه را به رعایت موارد ذیل ملزم کند:

- مالیات کل درآمد و دارایی مشمول مالیات را بپردازند؛
- شروع فعالیت اقتصادی خود را به اداره مالیات گزارش دهند؛
- وظایف خود را در قبال نظام مالیاتی به نحو احسن انجام دهند؛
- درآمد خود را کتمان نکنند؛
- در موعد مقرر اظهارنامه مالیاتی خود را براساس درآمدها و هزینه‌های واقعی تنظیم کنند و به حوزه مالیاتی تحویل دهند؛
- مالیات خود را در موعد مقرر قانونی بپردازند؛

- با ادارات امور مالیاتی در تشخیص مالیات همکاری کنند؛
- در مقابل دولت نیز باید به وظایف خود در قبال مؤدیان پایبند باشد (۱۷، ۸).

ب) معافیت‌های وسیع متنوع

بیشتر راه‌های فرار مالیاتی را دولت در سیاست‌های حمایتی مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی باز می‌کند و در صورتی که نظام اطلاعات کارآمد نیز در نظام مالیاتی موجود نباشد، فرار مالیاتی گسترش می‌یابد. با اعطای معافیت‌های مالیاتی گروهی از پرداخت مالیات معاف می‌شوند و این امر به کاهش درآمدهای مالیاتی می‌انجامد. بنابراین، اگر اعطای معافیت‌ها با دقت لازم صورت نگیرد، دولت برای کسب درآمد مالیاتی مورد نظر فشار سنگینی را بر روی گروه‌هایی که از معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند نیستند تحمیل خواهد کرد (۶).

ج) فساد مأموران مالیاتی

هر گاه مأموران مالیاتی، فاسد باشند یا احتمال فاسد شدن آنها زیاد باشد، بدون تردید در طراحی مالیات، رهیافتی که به‌طور مشخص قابل تغییر و حساب‌سازی باشد، اهرم مهمی برای پیشبرد مقاصدشان به حساب می‌آید. در این‌گونه مواقع اغلب تباری صورت می‌پذیرد که هر دو طرف خلاق در این تباری، می‌توانند منافع خصوصی خود را به بهای از دست رفتن منافع دولت، افزایش دهند.

د) تشخیص علی‌الرأس مالیات

به‌دلیل اینکه در روش تشخیص علی‌الرأس، از یک شیوه نظری برای سنجش مالیات استفاده می‌شود، قضاوت شخصی جانشین واقعیات می‌شود و نبود نظارت کافی بر ضوابط و معیارهای ارزیابی و برآورد میزان مالیات پرداختی، اختلافات متعددی میان مؤدیان و مأموران مالیاتی در زمینه تعیین درآمد مشمول مالیات ایجاد می‌کند که در غالب موارد موجب انحراف در تشخیص مالیات (میزان مالیاتی) می‌شود (۱۶).

ه) قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی

قوانین پیچیده و مبهم، دشواری‌هایی برای مؤدیان ایجاد می‌کند و هزینه‌های تمکین را افزایش می‌دهد. ساده‌سازی قوانین، درک آن را برای مؤدیان بسیار آسان می‌کند و می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش فرار مالیاتی داشته باشد، بدین ترتیب که ساده‌سازی می‌تواند کارایی و اثربخشی نظام مالیاتی را افزایش دهد و مؤدیان را وادار به تمکین کند.

بروکس (۲۰۰۱) نشان داد که به شرط ثابت بودن دیگر عوامل، هرچه مقررات پیچیده‌تر باشد و مالیات بیشتری دریافت شود، احتمالاً اقتصاد زیرزمینی بزرگ‌تر خواهد بود (۲۶).

خان احمدی (۱۳۸۳) معتقد است از دیگر عواملی که در فرار مالیات نقش عمده‌ای دارد بوروکراسی اداری است. برای نمونه بخشی از این بوروکراسی را می‌توان به فرم‌های مالیاتی نسبت داد. در برخی موارد فرم‌ها و اظهارنامه‌های مالیاتی حاوی اطلاعات اضافه هستند و تکمیل آن‌ها از عهده و حوصله مؤدیان خارج است (۹).

همچنین براساس پژوهش گیلز و همکاران (۲۰۰۰) قوه مجریه ممکن است به لحاظ سیاسی گرایش اجرایی قوی در زمینه قوانین مالیاتی نداشته باشد، در نتیجه از حیث صدور مقررات اجرایی الزام‌آور تعلق ورزد و به تعویق مطالبات مالیاتی دولت دامن زند. محققان نظام مالیاتی، التزام سیاسی دولت به انجام اصلاحات مالیاتی را پیش‌نیاز اولیه موفقیت نظام مالیاتی دانسته‌اند (۲۷).

(و) نظام اطلاعاتی ضعیف

رضائیان (۱۳۷۸) معتقد است ضعف بودن نظام اطلاعاتی را می‌توان از دو دیدگاه ارزیابی کرد. اول اینکه بیشتر مردم از قوانین و مقررات مالیاتی کشور اطلاع کافی ندارند. آگاه بودن مردم به قوانین مالیاتی، از مشکلات آنها می‌کاهد. این از طرفی، مسئله‌ای اقتصادی بوده و از طرف دیگر به فرهنگ مالیاتی مربوط است و مسئله‌ای اجتماعی محسوب می‌شود. دوم اینکه نظام مالیاتی برای جمع‌آوری اطلاعات از درآمد افراد، ضعیف است زیرا در وضعیت اقتصادی نامتعادل، عده‌ای از طریق ایجاد بازار زیرزمینی، درآمدهای کلان به دست می‌آورند، بدون اینکه هیچ‌گونه نام و نشانی از آنها و نحوه فعالیتشان وجود داشته باشد (۱۵، ۱۲).

امروزه ورزش حرفه‌ای یکی از پردرآمدترین صنایع دنیاست. سال ۱۳۸۹ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، درآمد نفتی ۳۰ سال گذشته ایران را اعلام کرد، که این رقم برابر با بازگشت و چرخش سرمایه یک سال گذشته فوتبال در دنیا بوده است (۲۱). بدون تردید امروزه در کشور ما ورزش حرفه‌ای به‌ویژه فوتبال درآمد کلانی را برای برخی افراد از جمله بازیکنان و مربیان به همراه دارد. از سال ۸۳ ورزشکاران مجبور شدند اظهارنامه مالیاتی پر کنند و به‌ظاهر مالیات بدهند، اما مسئله این است که آنها راه‌هایی برای فرار از مالیات پیدا کرده‌اند. قراردادهای داخلی در باشگاه‌ها بسته می‌شود که رقم این تفاهم‌نامه‌ها قیمت دقیق بازیکنان و پولی است که این بازیکنان از باشگاه‌ها می‌گیرند، اما وقتی کار به ثبت قانونی قرارداد در هیأت می‌رسد، باشگاه‌ها و بازیکنان برای اینکه هرچه کمتر مالیات بدهند، تا حد

امکان رقم ثبت شده را پایین می آورند که در بسیاری اوقات به ضرر بازیکنان می شود. ورزشکاران با پرداخت سهمی از درآمد خود مطابق با ماده ۱۵۸ مالیات های مستقیم، از ۵ تا ۳۵ درصد از درآمد خود را باید به دولت بپردازند و بعضی از بازیکنان به سبب درآمد کم از دادن مالیات معافاند (۵).

پرداخت مالیات در فوتبال تا چند سال پیش اهمیت زیادی نداشت. باشگاه ها از پرداخت آن طفره می رفتند و با یک نامه پرداخت آن را به تعویق می انداختند، تا شاید گریبان مدیر بعدی را بگیرد. اما در زمان حاضر پرداخت مالیات به مشکل جدی برای فوتبالیست ها و مربیان تبدیل شده است. در قراردادهایی که با فوتبالیست ها و مربیان در فوتبال ایران بسته می شود، درصدی از آن بابت مالیات کسر می شود. اما عجیب اینجاست که این مبلغ کسر شده بیشتر اوقات به اداره دارایی پرداخت نمی شود؟ گاهی باشگاه و اداره دارایی که هر دو به دولت وابسته اند از طریق ارتباطات و نامه نگاری این مسئله را حل می کنند یا به زمان های بعدی می سپارند. اما در سالیان اخیر که وضع درآمدی دولت به مشکل برخورد است اداره دارایی به فوتبالیست ها و قراردادهای نجومی شان فشار می آورد که باید کسری از قراردادها را بابت مالیات بپردازند و در غیر این صورت ممنوع الخروج می شوند. بنابراین به نظر می رسد با رویه ای که در حال حاضر وجود دارد، روزانه بر ورزشکاران و مربیان ممنوع الخروج اضافه شود (۱۰).

حدود یک دهه پیش وقتی یکی از معروف ترین فوتبالیست های ایران از بوندس لیگا عازم فوتبال آمریکا شد، همه فکر می کردند در آمریکا ماندگار شود، اما دیری نپایید که به کشور بازگشت. وقتی از او دلیل بازگشتش به ایران را پرسیدند گفت: "صرف نمی کرد در آمریکا فوتبال بازی کنم، بیشتر پولم می رفت برای مالیات؛ اونجا مالیات ها خیلی سنگین بود" (۷)، حال آنکه واژه مالیات در فوتبال ایران واژه های بسیار غریب است. نکته بسیار جالب و غم انگیز آنکه غالب پول دریافتی فوتبالیست ها از پولی است که مردم به عنوان مالیات به دولت می دهند. فرار مالیاتی پدیده ای است که در فوتبال ایران تا حدودی ریشه دوانده، طوری که برخی از مربیان و بازیکنان بزرگ خارجی که کاملاً به قوانین مالیاتی آشنا هستند نیز از فرصت استفاده می کنند و مالیات نمی پردازند (۲۴). از آنجا که درآمد ورزشکاران و مربیان در برخی از رشته های دیگر نیز اندک اندک رو به فزونی است، این بیم می رود که این موضوع در ورزش حرفه ای ایران فراگیر شود.

از این رو پژوهش حاضر سعی دارد که به بررسی عوامل بروز پدیده فرار مالیاتی در بین ورزشکاران و

مربیان حرفه ای بپردازد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش از نوع توصیفی است که گردآوری اطلاعات آن به صورت پیمایشی انجام پذیرفته است. از آنجا که اصفهان یکی از پایگاه‌های قدرتمند ورزش حرفه‌ای در ایران به‌شمار می‌آید، این شهر به‌عنوان محدوده مطالعاتی پژوهش در نظر گرفته شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل، ۱. استادان برجسته تربیت بدنی (که با موضوع پژوهش آشنایی داشتند)، ۲. مدیران عامل و معاونان باشگاه‌های ورزشی اصفهان که در سطح ورزش حرفه‌ای دارای سابقه فعالیت بودند، ۳. رؤسا و معاونان هیأت ورزشی استان که دارای تیم‌های لیگ برتری در ورزش کشور بودند، ۴. مربیان حرفه‌ای در رشته‌های مختلف، و ۵. ورزشکاران حرفه‌ای تیم‌های لیگ برتری، می‌شد. با توجه به محدودیت جامعه آماری در این تحقیق سعی شد در هر پنج بخش جامعه آماری گروه نمونه منطبق بر جامعه باشد. بر همین اساس ۲۴ پرسشنامه میان استادان، ۲۱ پرسشنامه میان مدیران و معاونان باشگاه‌های ورزشی، ۱۶ پرسشنامه میان رؤسا و معاونان هیأت‌های ورزشی، ۱۲ پرسشنامه میان مربیان حرفه‌ای و ۱۳۳ پرسشنامه نیز میان ورزشکاران در رشته‌های مختلف (در مجموع ۲۰۶ پرسشنامه) توزیع و جمع‌آوری شد.

به‌منظور جمع‌آوری ادبیات پژوهش به مطالعه منابع علمی مختلف از جمله کتاب‌ها، مقالات و سایت‌های معتبر علمی موجود و همچنین مصاحبه با استادان پرداخته شد که براساس آن عوامل مؤثر بر بروز پدیده فرار مالیاتی استخراج و به کمک آن پرسشنامه پژوهش با ۳۲ گویه طراحی شد. آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۳۴ بیانگر پایایی مطلوب پرسشنامه بود و روایی محتوا و صوری پرسشنامه نیز توسط استادان برجسته تأیید شد.

در مرحله بعد و پس از توزیع پرسشنامه‌ها و به‌دست آوردن اطلاعات مورد نیاز با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به گروه‌بندی عوامل اقدام شد. مجوز استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی از آزمون بارتلت کسب شد. در گام آخر نیز پس از شناسایی دقیق عوامل و گروه‌ها، به‌منظور تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری فریدمن^۱ و همچنین تحلیل تاپسیس گروهی^۲ استفاده شد.

1 . Friedman

2 . GTOPSIS

یافته‌های پژوهش

در اولین مرحله به منظور گروه‌بندی دقیق عوامل از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده می‌شود. جدول ۱ بیانگر شاخص KMO و آزمون بارتلت است.

جدول ۱. آزمون شاخص KMO و بارتلت

شاخص KMO به منظور کفایت نمونه‌گیری		۰/۷۸۳
آزمون بارتلت	Approx. Chi-Square	۱۶۱۸
	df	۴۹۶
	Sig.	۰/۰۰۱

از آنجا که مقدار شاخص KMO برابر با ۰/۷۸۳ است، تعداد نمونه برای تحلیل عاملی کافی است و تأیید می‌شود. همچنین مقدار Sig آزمون بارتلت، کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار و مدل عاملی مناسب است و فرض شناخته بودن ماتریس همبستگی، رد می‌شود.

جدول ۲، به ترتیب اشتراک اولیه و اشتراک استخراجی را نشان می‌دهد. اشتراک یک متغیر برابر مربع همبستگی چندگانه برای متغیرهای مربوط با استفاده از عامل‌ها (به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده) است. در این جدول ردیف هر گویه برابر با ردیف آن گویه در پرسشنامه پژوهش است.

جدول ۲. ستاده مربوط به اشتراک اولیه و اشتراک استخراجی

اشتراک استخراجی	عامل	اشتراک استخراجی	عامل	اشتراک استخراجی	عامل
۰/۴۷۵	ضعف نظارت بر پرداخت مالیات در باشگاه‌ها توسط نهادهای مالیاتی	۱۷	۰/۵۰۰	۱	ضعف فرهنگ مالیاتی در بین جامعه ورزش
۰/۳۹۴	تورم، بی‌ثباتی اقتصادی و افزایش هزینه‌های زندگی	۱۸	۰/۶۴۱	۲	طرز تلقی اشتباه ورزشکاران نسبت به پرداخت‌های مالیاتی
۰/۴۴۳	ضعف در تعقیب قضایی مالیاتی هنگام تخلف مالیاتی	۱۹	۰/۵۴۰	۳	بی‌توجهی به قوانین از طرف کارگزاران مالیاتی
۰/۴۵۳	ضعف در ضمانت اجرایی توسط نهادهای ذی‌ربط بر باشگاه‌ها	۲۰	۰/۶۴۳	۴	ضعف عدالت مالیاتی در بین جامعه ورزش
۰/۴۸۰	ضعف در حسابرسی دقیق از کل درآمدهای باشگاه‌های ورزشی	۲۱	۰/۵۱۱	۵	اعمال تخفیف و معافیت‌های غیرقانونی در مراجع مالیاتی

ادامهٔ جدول ۲. ستادهٔ مربوط به اشتراک اولیه و اشتراک استخراجی

اشتراک استخراجی	عامل	رتبه	اشتراک استخراجی	عامل	رتبه
۰/۴۲۷	پرداخت نکردن به‌موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران	۲۲	۰/۳۹۹	تناسب پایین بین حقوق ورزشکاران و مالیات دریافتی	۶
۰/۵۴۳	بدهی غالب باشگاه‌ها و پرداخت نکردن کل یا بخشی از قرارداد ورزشکاران	۲۳	۰/۳۷۵	بی‌عدالتی در سقف قرارداد در بین رشته‌های ورزشی	۷
۰/۲۴۱	ضعف در تبلیغات مناسب رسانه‌های گروهی جهت پرداخت مالیات	۲۴	۰/۴۷۶	به‌کار نگرفتن جریمه‌های متناسب در خصوص پدیدهٔ فرار مالیاتی	۸
۰/۲۷۰	ضعف تخصص برای مأموران و مؤدیان مالیاتی (ورزشکاران)	۲۵	۰/۴۱۸	شفاف نبودن اطلاعات مالی باشگاه‌ها	۹
۰/۴۵۰	ضعف در سازوکار صحیح شناسایی و ثبت درآمد ورزشکاران	۲۶	۰/۵۶۹	پیچیدگی و غامض بودن قوانین و مقررات مالیاتی	۱۰
۰/۴۵۶	دولتی بودن بیشتر باشگاه‌های ورزشی فعال در کشور	۲۷	۰/۶۵۳	وجود خلأهای قانونی در قراردادهای ورزشکاران و باشگاه‌ها	۱۱
۰/۴۹۵	ضعف نظام مالیاتی در جمع‌آوری اطلاعات از باشگاه‌ها و ورزشکاران	۲۸	۰/۳۹۰	وجود اطلاعات اضافی در فرم‌های اظهارنامهٔ مالیاتی	۱۲
۰/۴۱۲	وجود پدیدهٔ دلالی در نقل و انتقال ورزشکاران	۲۹	۰/۵۷۶	ضعف در وجود قوانین مشخص به‌منظور میزان مالیات پرداختی ورزشکاران	۱۳
۰/۴۵۲	وجود مدیران غیرمتخصص در رأس هرم مدیریتی باشگاه‌ها	۳۰	۰/۳۴۱	وجود رانت و رابطهٔ غیرقانونی باشگاه‌ها با مأموران مالیاتی	۱۴
۰/۵۲۱	تسویه حساب نکردن قطعی ورزشکاران هنگام انتقال به باشگاه دیگر	۳۱	۰/۶۳۴	پرداخت‌های غیرنقدی به ورزشکاران	۱۵
۰/۴۸۹	به‌کارگیری افراد متخصص توسط ورزشکاران در جهت فرار مالیاتی	۳۲	۰/۳۱۱	بوروکراسی اداری در مراجع مالیاتی	۱۶

هرچه مقدار اشتراک استخراجی بزرگ‌تر باشد، عامل‌های استخراج‌شده، متغیرها را بهتر نشان می‌دهند. اگر هر یک از مقادیر استخراجی بسیار کوچک باشند، ممکن است استخراج عامل دیگری الزامی شود. بر این اساس عامل‌هایی که اشتراک استخراجی آنها کمتر از ۰/۴ است، حذف می‌شوند (در

برخی منابع از جمله مؤمنی و فعال قیومی (۱۳۹۰) (۲۳) معمولاً رأی به حذف عامل‌هایی با استخراج اشتراکی کوچک‌تر از ۰/۵ می‌دهند ولی پژوهشگر را با توجه به پیشینه پژوهش تا حدودی آزاد گذاشته‌اند، بنابراین در پژوهش حاضر با توجه همفکری گروه تحقیقاتی این عدد ۰/۴ در نظر گرفته شده است). تفسیر بارهای عاملی بدون چرخش ساده نیست، بنابراین عامل‌ها چرخانده می‌شود تا تفسیرپذیری آنها تسهیل یابد. جدول ۳ ماتریس چرخش یافته اجزا را نمایش می‌دهد. در این جدول هر متغیر با توجه به بزرگ بودن همبستگی، به آن عامل وصل می‌شود. چرخش عامل‌ها به منظور به حداکثر رساندن رابطه متغیرها و عامل‌ها انجام می‌پذیرد.

جدول ۳. ماتریس چرخش یافته اجزا

عوامل	عوامل	عوامل	عوامل	عوامل	عوامل	عوامل	عوامل	عوامل	عوامل
گویه	فرهنگی	قانونی	حقوقی	مدیریتی	اقتصادی	گویه	گویه	گویه	گویه
۱	۰/۵۹۰	۴	۰/۶۲۲	۸	۰/۴۷۵	۲۶	۰/۵۶۹	۲۲	۰/۳۹۹
۲	۰/۶۰۴	۵	۰/۴۵۰	۱۵	۰/۶۸۵	۲۷	۰/۵۴۸	۲۳	۰/۵۱۹
۳	۰/۵۲۴	۹	۰/۵۳۴	۱۷	۰/۳۷۹	۲۸	۰/۵۲۶	-	-
-	-	۱۰	۰/۴۲۴	۱۹	۰/۴۷۴	۲۹	۰/۴۳۳	-	-
-	-	۱۱	۰/۵۴۸	۲۰	۰/۴۷۶	۳۰	۰/۴۹۸	-	-
-	-	۱۳	۰/۶۰۹	۲۱	۰/۶۰۶	۳۱	۰/۵۴۰	-	-

شکل ۱ طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی ورزشکاران حرفه‌ای را براساس نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد.

پس از طبقه‌بندی عوامل، به تحلیل داده‌ها در هر طبقه پرداخته می‌شود. برای نمونه به اولویت‌بندی عوامل در گروه عوامل قانونی پرداخته می‌شود و در مورد سایر طبقه‌ها نتیجه نهایی گزارش می‌شود. جدول ۴ نتایج آزمون فریدمن را برای گویه‌های عوامل قانونی نشان می‌دهد.



شکل ۱. طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی

جدول ۴. نتیجه آزمون فریدمن برای عوامل قانونی

ردیف	عوامل قانونی	میانگین رتبه	رتبه
B1	نبود عدالت سازمانی یا ضعف آن در بین جامعه ورزش	۳/۴۹	۴
B2	اعمال تخفیف و معافیت‌های غیرقانونی در مراجع مالیاتی	۳/۱۲	۶
B3	شفاف نبودن اطلاعات مالی باشگاه‌ها	۳/۷۸	۱
B4	پیچیدگی و غامض بودن قوانین و مقررات مالیاتی	۳/۷۳	۲
B5	وجود خلأهای قانونی در قراردادهای ورزشکاران و باشگاه‌ها	۳/۲۳	۵
B6	نبود قوانین مشخص در میزان مالیات پرداختی ورزشکاران	۳/۶۶	۳
آماره آزمون			
N		۲۰۶	
کای اسکوار		۲۷/۰۲۸	
درجه آزادی		۵	
سطح معناداری		۰/۰۰۱	

با توجه به کای اسکوار و سطح معناداری به دست آمده در جدول ۴، فرض یکسان بودن شش عامل مورد مطالعه، رد و مشخص می‌شود که این عوامل تأثیر متفاوتی بر بروز پدیده فرار مالیاتی در میان ورزشکاران حرفه‌ای دارند.

جدول ۵ نیز نتایج تحلیل تاپسیس پیرامون داده‌های مربوط به عوامل قانونی فرار مالیاتی ورزشکاران حرفه‌ای را نمایش می‌دهد.

همان‌طور که در جدول‌های ۴ و ۵ مشاهده می‌شود براساس نتایج حاصل از آزمون فریدمن و تاپسیس و همچنین برابند نتایج، می‌توان گفت که در میان عوامل قانونی پس از عوامل شفاف نبودن اطلاعات مالی باشگاه‌ها و پیچیدگی و غامض بودن قوانین و مقررات مالیاتی، به ترتیب عوامل نبود قوانین مشخص در میزان مالیات پرداختی ورزشکاران، نبود عدالت مالیاتی یا ضعف آن در بین جامعه ورزش، وجود خلأهای قانونی در قراردادهای ورزشکاران و باشگاه‌ها، و اعمال تخفیف و معافیت‌های غیرقانونی در مراجع مالیاتی از جمله مهم‌ترین عوامل قانونی در جهت بروز پدیده فرار مالیاتی به شمار می‌آیند. بر همین اساس جدول ۶، نتیجه نهایی مربوط به سایر عوامل را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج نهایی رتبه‌بندی عوامل قانونی فرار مالیاتی

شاخص گزینه	شاخص					Cl_i^+	R Top	RFi	Ave	Final Rank
	G1	G2	G3	G4	G5					
B1	۳/۱۱	۳/۴۷	۲/۹۸	۳/۷۸	۳/۸۱					
B2	۴/۱۸	۳/۳۴	۲/۷	۳/۱۹	۲/۸۴					
B3	۴	۳/۶۰	۳/۳۰	۳/۱۲	۴/۳۳					
B4	۳/۷۷	۳/۲۹	۳/۶۰	۳/۶۳	۳/۷۱					
B5	۳/۱۵	۳/۴۵	۳/۳۴	۳	۳/۷۶					
B6	۳/۱۸	۴/۴۹	۳/۵۱	۴/۱۲	۳/۷۰					

شاخص گزینه	ماتریس نرمال داده‌ها					Cl_i^+	R Top	RFi	Ave	Final Rank
	G1	G2	G3	G4	G5					
B1	۰/۰۷۰	۰/۰۸۲	۰/۰۷۴	۰/۰۸۸	۰/۰۸۳	۰/۸۴۷	۴	۴	۴	۴
B2	۰/۰۹۵	۰/۰۷۷	۰/۰۶۷	۰/۰۷۴	۰/۰۶۲	۰/۷۸۶	۶	۶	۶	۶
B3	۰/۰۹۰	۰/۰۸۵	۰/۰۸۲	۰/۰۷۲	۰/۰۹۵	۰/۸۸۵	۲	۱	۱/۵	۱
B4	۰/۰۸۵	۰/۰۷۸	۰/۰۹۰	۰/۰۸۴	۰/۰۸۱	۰/۸۹۷	۱	۲	۱/۵	۱
B5	۰/۰۷۱	۰/۰۸۲	۰/۰۸۳	۰/۰۷۰	۰/۰۸۲	۰/۸۲۱	۵	۵	۵	۵
B6	۰/۰۷۲	۰/۰۸۳	۰/۰۸۸	۰/۰۹۶	۰/۰۸۱	۰/۸۷۵	۳	۳	۳	۳

جدول ۶. نتیجه نهایی مربوط به عوامل فرهنگی، حقوقی، مدیریتی و اقتصادی

FR	عامل	عامل	FR	عامل	عامل
۳	نبود سازوکار صحیح شناسایی و ثبت درآمد ورزشکاران	D1	۳	ضعف فرهنگ مالیاتی در بین جامعه ورزش	A1
۱	دولتی بودن بیشتر باشگاه‌های ورزشی فعال در کشور	D2	۱	طرز تلقی اشتباه ورزشکاران نسبت به پرداخت‌های مالیاتی	A2
۲	ضعف نظام مالیاتی در جمع‌آوری اطلاعات از باشگاه‌ها و ورزشکاران	D3	۲	بی‌توجهی به قوانین از طرف کارگزاران مالیاتی	A3
۶	وجود پدیده دلالتی در نقل و انتقال ورزشکاران	D4	۳	به‌کار نرفتن جریمه‌های متناسب در خصوص پدیده فرار مالیاتی	C1
۵	وجود مدیران غیرمتخصص در راس هرم مدیریتی باشگاه‌ها	D5	۶	پرداخت‌های غیرنقدی به ورزشکاران	C2
۴	عدم تسویه حساب ورزشکاران هنگام انتقال به باشگاه دیگر	D6	۴	عدم نظارت بر پرداخت مالیات در باشگاه‌ها توسط نهادهای مالیاتی	C3

ادامه جدول ۶. نتیجه نهایی مربوط به عوامل فرهنگی، حقوقی، مدیریتی و اقتصادی

عامل	عامل	FR	عامل	عامل	FR
C4	عدم تعقیب قضایی مالیاتی هنگام تخلف مالیاتی	۲	E1	پرداخت نکردن به موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران	۱
C5	عدم ضمانت اجرایی توسط نهادهای ذی ربط بر باشگاهها	۱	E2	بدهی غالب باشگاهها و پرداخت نکردن کل یا بخشی از قرارداد ورزشکاران	۲
C6	عدم حساسی دقیق از کل درآمدهای باشگاههای ورزشی	۵			

بحث و نتیجه گیری

یکی از منابع مهم درآمدی دولت‌ها مالیات است که علاوه بر اینکه بخش عمده‌ای از هزینه‌ها را تأمین می‌کند، به‌عنوان ابزار مناسب مالی برای کنترل اقتصاد نیز به کار می‌رود. هنگامی که در سطح جامعه با رشد نقدینگی مواجه می‌شویم دولت می‌تواند با افزایش نرخ‌های مالیاتی موجبات کاهش نقدینگی و تورم را فراهم آورد و اگر رکود و کم‌حرکی و عدم رونق اقتصادی را در اقتصاد شاهد باشیم، مسئولان می‌توانند با کاهش نرخ‌های مالیاتی شکوفایی اقتصاد را به جامعه برگردانند. بدین ترتیب مالیات می‌تواند یکی از ابزارهای مهم مالی و به‌عنوان اهرم اطمینان اقتصادی کارکردهای مطلوبی برای جامعه به‌همراه داشته باشد.

امروزه ورزش و ابعاد گوناگون آن به‌عنوان یک مبحث مهم در محافل مختلف مورد توجه است و به‌منزله پدیده‌ای منحصر به فرد در جهت ایجاد جامعه‌ای پویا و شاداب و رفع بسیاری از بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی و سیاسی کاربردهای فراوان خود را نمایان ساخته است (۱۴). امروزه ورزش یک صنعت محسوب می‌شود. در جوامع پیشرفته توجه و سرمایه‌گذاری در ورزش، سبب توسعه و درآمدزایی در این زمینه شده و همین امر سبب شده که کم‌کم بیشتر کشورهایی که قبلاً توجه آنچنانی به آن نشان نمی‌دادند سهمی رو به افزایش، برای سرمایه‌گذاری در امور ورزشی قائل شوند، زیرا در این‌گونه کشورها به تأثیرات درازمدت ورزش از لحاظ رشد و توسعه اقتصاد ملی واقف شده‌اند.

عامل طرز تلقی اشتباه ورزشکاران نسبت به پرداخت‌های مالیاتی از جمله مهم‌ترین عوامل فرهنگی شناسایی شده در پژوهش حاضر بود. رفاعی (۱۳۷۸) در نتایج پژوهش خود بیان کرد که با فرهنگ‌سازی مالیاتی، برای عامه مردم روشن می‌شود که عدم پرداخت به‌موقع مالیات‌های قانونی آثار نامطلوب بسیار

عظیمی بر بافت اقتصادی و سیاسی کشور دارد (۱۱). این آثار نامطلوب باید به تفصیل و به صورت ملموس طی برنامه‌های مختلف از رسانه‌های گروهی کشور در معرض اطلاع و قضاوت عمومی قرار گیرد. در کشور ما مردم پرداخت مالیات را وظیفه خود نمی‌دانند، و این مردم نیستند که مالیات می‌دهند بلکه دولت است که مالیات وصول می‌کند. بنابراین مالیات آن قسمت از دارایی است که اشخاص برای اطمینان استفاده از بقیه دارایی خود می‌پردازند. این یافته با یافته‌های پژوهش حاضر همسویی کامل ندارد چراکه در نتایج پژوهش فعلی اگرچه عامل طرز تلقی اشتباه ورزشکاران نسبت به پرداخت‌های مالیاتی تأیید شد، عامل ضعف فرهنگ مالیاتی در بین جامعه ورزش، در میان ورزشکاران تأیید نشد. از این رو به عنوان یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که باید بر اساس برنامه‌ها، روش‌ها و آموزش‌های مختلف طی زمان، بستر فرهنگی جامعه ورزش را برای دادن مالیات فراهم کرد که این خود نیاز به گذر زمان و برنامه‌ریزی و عملکرد ریشه‌ای و بنیادی دارد. بر اساس پژوهش محمدی (۱۳۷۷)، مهم‌ترین مسئله‌ای که به نظر متخصصان در فرهنگ مالیاتی مؤثر است تبلیغ در زمینه مسائل مالیاتی است و اگرچه شرط کافی مسئله نیست، بی‌تردید شرط لازم است. عوامل فرهنگی در جامعه ما بیشتر ریشه در تاریخ دارد که به همراه بسیاری از مشکلات دیگر اجتماعی همواره موجب شده است که مالیات واقعی اظهار و وصول نشود (۲۲).

ماکنالی (۱۳۸۹) بیان می‌دارد لازمه و شرط اول ترویج هر مقوله‌ای عدالت است، بدین معنا که وقتی مردم اطمینان حاصل کنند که چارچوب قوانین مالیاتی برای همه در نظر گرفته شده و اجرا می‌شود و هیچ تبعیضی بین افراد جامعه وجود ندارد، خودشان را مطیع قانون دانسته و اطاعت از آن را واجب می‌دانند (۲۰). در پژوهش حاضر نیز یکی از مهم‌ترین عوامل قانونی مورد تأیید در جهت جلوگیری از بروز پدیده فرار مالیاتی ضعف عدالت مالیاتی در بین جامعه ورزش بود. ورزشکاران در رشته‌های مختلف نسبت به نوع قرارداد و دریافت پول از باشگاه، مالیات‌های متفاوتی دارند، فوتبالیست‌ها نسبت به سایر رشته‌ها از قرارداد بیشتری برخوردارند، از این رو طبیعتاً باید مالیات بیشتری بپردازند. عدالت و قوانین مالیاتی باید در تمام اقشار مختلف جامعه اعمال شود، تا کمتر شاهد فرار مالیاتی در ورزش حرفه‌ای باشیم. راه حل این مشکل در اصلاح قوانین و تعامل بین مدیران باشگاه‌ها و فدراسیون فوتبال از یک طرف و اداره دارایی از طرف دیگر برای اجرای این قوانین است. فراهم کردن زمینه‌های لازم برای اجرای دقیق قوانین مالیاتی و مشمولیت فوری همه فعالان از راهکارهای مناسب بهسازی سیستم است. برای عملیاتی شدن و نتیجه‌گیری مطلوب از نظام مالیاتی بایستی تشکیلات، تجهیزات و

نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص را به کار گرفت و از تشریفات زائد اجتناب کرد. به هر حال مالیات باید پرداخت شود و آن هم از مبلغ دریافتی و نه از مبلغ قراردادها. در این بین باید دقیقاً مشخص شود که چه زمانی و چقدر و چطور پرداخت شود و در صورت عدم پرداخت چه مشکلاتی برای باشگاه‌ها و بازیکنان و مربیان به وجود می‌آید. در فوتبال حرفه‌ای اروپا بازیکنان مبالغ زیادی دریافت می‌کنند. آنجا هر قدر مبلغ قرارداد بالاتر باشد، به صورت تصاعدی مالیات بیشتری کسر می‌شود. در فوتبال اروپا این مسئله به صورت قانون درآمده و همه آن را قبول می‌کنند.

به کار نگرفتن جریمه‌های متناسب در خصوص پدیده فرار مالیاتی یکی از عوامل مورد تأیید در پژوهش است که با نتایج پژوهش آذرمی فر (۱۳۹۰) همسوست (۱). وی بیان می‌دارد که جرایم مالیاتی مبالغی است که از سوی قانونگذار به دلیل تأخیر در تسلیم یا عدم تسلیم اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان، تأخیر در پرداخت مالیات یا عدم پرداخت بدهی مالیاتی و ... برای مؤدیان متخلف وضع می‌شود. جرایم مالیاتی به صورت درصدی از مبلغ مالیات متعلق تعیین می‌شود و نوعی ابزار به منظور ترغیب مؤدیان مالیاتی برای پرداخت مالیات است. در هر جامعه‌ای دو دسته مؤدی مالیاتی وجود دارد: برخی به وظایف قانونی عمل کرده و مالیات خود را به موقع پرداخت می‌کنند و عده‌ای دیگر که به وظایف قانونی عمل نمی‌کنند و باید با ابزارهای مناسب از آنها مالیات دریافت کرد. در این میان، جرایم مالیاتی به عنوان یکی از ابزارها برای برخورد با متخلفان مطرح می‌شود که در ورزش حرفه‌ای به کار نمی‌رود یا ابزار و پشتوانه لازم برای اجرایی کردن آنها وجود ندارد، که می‌توان یکی از ریشه‌های آن را دولتی بودن ورزش کشور دانست. یکی از نقاط قوت دولت‌های قدرتمند، توان مالیات‌گیری آنهاست، بنابراین در چنین جامعه‌ای هم به لحاظ روانی و اجتماعی و هم به لحاظ کیفی مجازات فرار از پرداخت مالیات بسیار سنگین خواهد بود. برای مثال، فرار از پرداخت مالیات در انگلستان، تا ۲۵ سال زندان دارد. با وجود این در ایران، این جرم، یا مجازات چندانی ندارد یا به نتیجه اجرایی نمی‌رسد و پرداخت نکردن مالیات، حداکثر با ممنوعیت خروج از کشور مواجه می‌شود؛ به طوری که سازمان‌های مالیاتی حتی با تبلیغ، و جایزه ناچار به جلب نظر مؤدیان می‌شوند. تصمیم قاطعانه در مورد عدم بخشودگی جرایم و جدیت در برخورد با قانون‌گریزان می‌تواند فرار مالیاتی را کاهش دهد. همچنین ایجاد ثبات در قوانین و مقررات می‌تواند کمک شایان توجهی به کاهش فرار مالیاتی کند، و برعکس تغییرات مداوم در قوانین و مقررات و انعطاف‌پذیری در این زمینه می‌تواند موجب تشدید این پدیده شود.

روان‌بخش (۱۳۸۹) عنوان کرد که مردم یک جامعه باید مالیات خود را به‌موقع پرداخت کنند. وقتی مؤدی به‌دلیل انجام ندادن تکالیف خود و پرداخت نکردن به‌موقع مالیات مشمول جریمه می‌شود و این جرایم نیز بخشیده می‌شود یا مؤدیان فرصت قانونی پیدا می‌کنند بدهی خود را در اقساط بلندمدت بپردازند، از مصادیق دیگر فرار مالیاتی است (۱۳). همانند بسیاری از مقوله‌های دیگر در ورزش نیز شاهد این موضوع هستیم. ورزشکاران با حضور در میادین ملی و کسب مقام با وساطت سازمان تربیت بدنی گاهی از ممنوع‌الخروج بودن آنها برای حضور در مسابقات جلوگیری می‌شود، و پرداخت مالیات را به بازگشت پس از مسابقات معوق می‌کنند یا با به‌دست آوردن مقام ملی از بخشودگی یا گاهی از معافیت مالیاتی برخوردار می‌شوند.

در نهایت می‌توان براساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهای ذیل را برای کاهش پدیده فرار مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای ارائه داد:

- ✓ تبلیغات و آگاهی‌رسانی از طریق رادیو و تلویزیون در زمینه فرهنگ‌سازی مالیاتی؛
- ✓ اصلاح قوانین و تعامل بین باشگاه‌ها، فدراسیون فوتبال و اداره دارایی؛
- ✓ یک نظام مالیاتی مطلوب، نباید پیچیده و مبهم باشد، یعنی کلیه قوانین و مقررات مربوط به مالیات‌های مختلف و دلایل پرداخت آن باید به زبان ساده و بدون ابهام بیان شود؛
- ✓ اجرای قوانین مالیاتی به‌صورت عادلانه و قاطع؛
- ✓ آموزش کافی، مناسب و متناسب با زمان به مأموران مالیاتی. هرچه مأموران مالیاتی آموزش‌دیده، متخصص و مجرب‌تر باشند در برخورد اجتماعی در گرفتن مالیات موفق‌ترند؛
- ✓ ترفیع و پاداش مأموران مالیاتی باید براساس فعالیت و کار آنها باشد تا موجب ایجاد انگیزه و دلگرمی شود که این حس برای مأموران، خود از موانع بزرگ فرار مالیاتی محسوب می‌شود؛
- ✓ برخورد قاطع، قانونی و برابر و مساوی با مؤدیان خاطی در صورت پرداخت نکردن مالیات و تشویق مؤدیان خوش‌حساب، در صورت پرداخت به‌موقع مالیات نیز از راهکارهای مناسب مقابله با فرار مالیاتی است.

منابع و مآخذ

۱. آذرمی فر، محمدرضا (۱۳۹۰)، اقتصاد و حسابداری، مالیات بر ارزش افزوده، سازمان امور مالیاتی کشور، وبلاگ اقتصاد و حسابداری، ص ۲.
۲. آقائی، الله محمد (۱۳۸۰)، تمکین مؤدیان و خدمات‌رسانی نظام مالیات، نشریه اقتصادی: بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۴ و ۵، صص ۲۲ - ۲۳.
۳. احمدی دونچالی، محمود (۱۳۷۲)، ساختار مالیاتی ایران و رشد و توسعه اقتصادی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ص ۹.
۴. الفتی، سمن و بایبی، النا (۱۳۸۱)، بررسی مدل رشد درون‌زا در اقتصاد، نشریه اقتصادی: بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۵، صص ۱۶۹ - ۱۸۴.
۵. امیری، پویان (۱۳۸۷)، مالیات بر درآمد ورزشکاران، روزنامه سرمایه، برگرفته از سایت آفتاب، ص ۱.
۶. بورد، اردشیر (۱۳۸۱)، تأثیر مالیات بر ارزش افزوده در افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و مقایسه تطبیقی آن با مالیات‌های غیرمستقیم، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده امور اقتصادی، وزارت اقتصاد و دارایی، صص ۱۶ - ۱۹.
۷. پایگاه خبری تحلیلی تراز (۱۳۹۲)، کدام فوتبالیست‌ها مالیات نمی‌دهند؟، برگرفته از سایت: <http://www.taraznews.com/content/39236>، ص ۱.
۸. توکل، محمد (۱۳۷۴)، بحث تحلیلی پیرامون مالیات بر ارزش افزوده، پژوهشنامه مالیات، ۹، صص ۱۳ - ۱۸.
۹. خان احمدی، علی (۱۳۸۳)، بررسی اثرات مالیات ارزش افزوده بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه اصفهان، صص ۷۸ - ۱۰۰.
۱۰. خرم، خسرو (۱۳۹۱)، مشکل شفافیت قانون در مالیات فوتبالیست‌ها، خبرگزاری تحلیلی ایران، برگرفته از سایت: <http://khabaronline.ir/detail/279156>، ص ۱.
۱۱. رفاعی، عبدالخالق (۱۳۷۸)، بررسی مشکلات سیستم مالیاتی و راه‌های مناسب وصول مالیات در اداره کل امور اقتصاد و دارایی استان کردستان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مرکز آموزش مدیریت دولتی غرب کشور، صص ۷۵ - ۹۵.

۱۲. رضاییان، محمدتقی (۱۳۷۸)، بررسی علل آگاهی مؤدیان مالیاتی از قانون مالیات‌های مستقیم و تأثیر آن بر درآمد مؤدیان دولت، مطالعه موردی استان سمنان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده امور اقتصادی، وزارت اقتصاد و امور دارایی، صص ۱۲ - ۲۰.
۱۳. روان‌بخش، محمد حسین (۱۳۸۹)، بازخوانی رفتار مالیاتی در ایران، مجله الکترونیکی ویستا، برگرفته از سایت: <http://vista.ir/article/266628>، ص ۱.
۱۴. سلیمی، مهدی و همکاران (۱۳۹۰)، رتبه‌بندی موانع توسعه اخلاق حرفه‌ای در رسانه‌های ورزشی، نشریه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۴، صص ۹ - ۲۹.
۱۵. سید زارع، بهمن (۱۳۸۰)، تخمین بر فرار مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی در ایران و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، صص ۱۰ - ۱۸.
۱۶. سید نورانی، سید محمد (۱۳۸۸)، فرار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران، انتشارات مرکز تحقیقاتی مجلس شورای اسلامی، تهران، صص ۱۵۰ - ۱۶۴.
۱۷. شمیرانی، رسول؛ اسدالله زاده بالی، رضا؛ میر، رستم (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر بر تمکین خود اظهاری مؤدیان مالیاتی و آرایه راهکارهای کارآمد جهت بهبود شرایط موجود، مجموعه مقالات اولین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی، صص ۸۴ - ۸۹.
۱۸. ضیایی بیگدلی، محمدتقی؛ و طهماسبی بلداجی، فرهاد (۱۳۸۳)، مالیات بر ارزش افزوده: مالیاتی مدرن، طرح پژوهشی پژوهشکده امور اقتصادی، ص ۴۹.
۱۹. علاء، عین‌الله (۱۳۷۳)، فرار مالیاتی و اقتصاد پنهان، پژوهشنامه مالیات، شماره ۶، صص ۲۲ - ۲۳.
۲۰. ماکنالی، مرتضی (۱۳۸۹)، بررسی نقش فرهنگ و عدالت در حوزه اقتصاد، اقتصاد نوین، شماره ۲۴، ص ۹.
۲۱. محتشمی، عباس (۱۳۹۱)، نقش مالیات در قراردادهای بازیکنان فوتبال، برگرفته از سایت: <http://www.mardomsalari.com/Template1/News.aspx?NID=33628>، ص ۱.
۲۲. محمدی، افشین (۱۳۷۷)، برآورد آثار اقتصاد از فرار مالیاتی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه تهران، صص ۷۳ - ۸۲.
۲۳. مؤمنی، محمد و فعال قیومی، علی (۱۳۹۰)، تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS، نشر دانشگاه تهران، ص ۱۷۷.

۲۴. ناظمی، مازیار (۱۳۹۲)، قطبی و برانکو، سرمربیان سابق تیم ملی فوتبال فرار مالیاتی دارند؟!، برگرفته از سایت: <http://maziaran.blogfa.com/post-1519.aspx> ص ۱.
25. Arana O (2004), economic growth and the household optimal income tax evasion, Archives de Economia, Universidad national de Colombia, pp. 83-93.
26. Brooks. N (2001), presentation Paper of key Issues Income tax, Colleges of Tax Administration and Compliance Tax Conference Tokyo, Asian Development Bank Institute, pp. 45-78.
27. Giles, D.E.A (2000), Measuring the hidden economy; implications for econometrics modelling, Economic journal, 109, Issue 456, pp. 370 - 380.
28. Hayashida. M&ono.H (2010), capital gain tax and individual trading - the case of Japan, Japan and the world economy, vol. 22, Issue 4, pp. 243-253.
29. Varita L (2008), how do taxes affect investment and productivity? An industry-level analysis of oecd countries, oecd economic department workingpapers, p. 656.
30. Yaniv. G (2009), “ The Tax Compliance Demand Curve: a Diagrammatical Approach to Income Tax Evasion”, Economics Educator: Courses, Cases & Teaching eJournal 04/2007; DOI:10.2139/ssrn.980096, pp. 99-113.